



## درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۰  
مصادف با: ۲۹ جمادی الاول ۱۴۳۲  
جلسه: ۲۸

موضوع کلی: امکان تفسیر قرآن

موضوع جزئی: بررسی قول به عدم امکان تفسیر معظم آیات قرآن

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

عرض کردیم در رابطه با عدم امکان تفسیر قرآن دو ادعا وجود دارد: ادعای اول این بود که تفسیر آیات قرآن رأساً ممکن نیست و ادعای دوم اینکه تفسیر بخش اعظم آیات قرآن ممکن نیست، ما ادعای اول را در جلسه گذشته مورد بررسی قرار دادیم ادله و اشکالات آن را بیان کردیم.

### عدم امکان تفسیر معظم آیات قرآن:

ادعای دوم این است که ما نمی‌گوییم همه آیات قرآن امکان تفسیر ندارند بلکه بخش زیادی از آیات قرآن قابل تفسیر نیستند.

### دلیل:

دلیل این مدعا وجود آیات متشابه در قرآن است که به اعتقاد این مدعی بیشتر آیات قرآن از قبیل آیات متشابه می‌باشد و بعضی آیات قرآن بر این امر دلالت می‌کند. مثل آیه شریفه: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ...» در این آیه دو مطلب وجود دارد:

**الف)** مطلب اول این است که در این آیه، آیات به آیات محکم و متشابه تقسیم شده‌اند.

**ب)** مطلب دوم اینکه آیات متشابه را فقط خداوند متعال و یا کسانی که مأذون از طرف خداوند متعال هستند؛ یعنی راسخون فی العلم می‌توانند تفسیر کنند چون می‌فرماید: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» و کسانی را که در قلوب آنها مرض و زیغ وجود دارد اینها هستند که به تأویلات و آیات متشابه بدون اینکه از طرف خداوند تبارک و تعالی تأویلش بیان شده باشد عمل می‌کنند لذا با وجود آیات متشابه که از آیه فهمیده می‌شود و با وجود اینکه تفسیر این آیات متشابه طبق آیه شریفه که ذکر شد برای غیر خدا ممکن نیست و با توجه به اینکه کسانی که به تفسیر آیات متشابه می‌پردازند در این آیه مورد مذمت قرار گرفته‌اند، نتیجه گرفته‌اند که تفسیر اکثر آیات قرآن ممکن نیست البته روایاتی را هم به عنوان تأیید ذکر می‌کنند از جمله روایت امام صادق (ع) که حضرت می‌فرماید: «أَنَّ الْقُرْآنَ فِيهِ مُحْكَمٌ وَمُتَشَابَهُ»<sup>۱</sup>، عمده استدلال اینها این تقسیم

۱. آل عمران / ۷.

۲. بهار الانوار، ج ۲، ص ۲۳۸.

بندی است که در مورد آیات صورت گرفته و روایات هم این تقسیم بندی را تأیید کرده‌اند و اینکه تفسیر آیات متشابه را غیر از خداوند متعال کسی نمی‌داند.

### اشکال:

این استدلال مبتنی بر چند مطلب است که محل اشکال است:

**اولاً:** در این آیه اصل تقسیم آیات به محکم و متشابه بیان شده است و هیچ دلالتی ندارد بر اینکه اکثریت آیات قرآن متشابه هستند چون یکی از پیش فرض‌های این استدلال این است که اکثر آیات قرآن متشابه هستند در حالی که آیه دلالت بر این مطلب ندارد.

**ثانیاً:** در آیه از تأویل نهی شده است در حالیکه بحث ما در تفسیر است، آیه می‌فرماید تأویل آیات متشابه را فقط خداوند متعال و راسخون فی العلم می‌دانند و اصلاً سخن از تفسیر نیست بحث ما در امکان تفسیر است ولی آیه ناظر به تأویل است و امکان تأویل را نفی می‌کند و ما سابقاً گفتیم که بین تفسیر و تأویل تغایر و تباین وجود دارد لذا این دو مطلب اصلاً از آیه فهمیده نمی‌شود؛ یعنی نه اکثر بودن آیات متشابه از این آیه فهمیده می‌شود و نه در آیه نهی از تفسیر شده است.

**ثالثاً:** در خود آیه راه و روشی را برای تفسیر متشابهات معین کرده است، درباره محکمت تعبیر به «امّ الکتاب» می‌کند، پس آیات محکمت به امّ الکتاب توصیف شده است، امّ الکتاب یعنی اساس کتاب، در واقع در این آیه به نوعی دارد راهنمایی می‌کند که امّ الکتاب؛ یعنی محکمت اساس در تفسیر و تبیین هستند و راه تفسیر و تبیین متشابهات باز گرداندن آن‌ها به محکمت است؛ یعنی با عرضه متشابهات به محکمت ما می‌توانیم آن‌ها را تفسیر بکنیم لذا با عنایت به اینکه راه و روش در خود آیه بیان شده از این جهت هم مشکلی نیست. و روایاتی هم بر این امر دلالت دارد از جمله:

امام رضا(ع) می‌فرماید: «مَنْ رَدَّ الْمُتَشَابِهَ إِلَى الْمُحْكَمِ هُدًى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَإِنَّ فِي آخِبَارِنَا مُتَشَابِهًا كَمُتَشَابِهِ الْقُرْآنِ وَ مُحْكَمًا كَمُحْكَمِ الْقُرْآنِ فَرُدُّوا مُتَشَابِهَهَا إِلَى مُحْكَمِهَا»<sup>۱</sup> کسی که متشابه را به محکم برگرداند در راه راست قرار دارد و بعد حضرت می‌فرمایند در روایات و کلام ما هم مثل قرآن متشابه و محکم وجود دارد متشابه کلام ما را به محکم کلام ما برگردانید و این روش در قرآن هم هست و نه تنها در کلمات معصومین حتی ممکن است در کلام دیگران هم محکم و متشابه وجود داشته باشد و رویه عقلانی برای فهم متشابهات باز گرداندن متشابهات به محکمت است؛ یعنی اینطور نیست که راه فهم متشابهات بسته باشد.

### دلیل بر امکان تفسیر قرآن:

اما یک شاهد دیگر که می‌تواند برای ما مفید باشد و ادعای عدم امکان تفسیر بخش اعظم آیات قرآن را رد بکند روایاتی است که در آن‌ها امر به تدبر در قرآن شده مثل روایتی که از امیرالمؤمنین علی(ع) نقل شده است که حضرت می‌فرماید: «إِلا لا خیر فی قرأته لیس فیها تدبر»<sup>۲</sup> قرائتی که در آن تدبر نباشد خیر ندارد، ثواب دارد و لی نافع نیست، قرائت مربوط به همه

۱. بهار الانوار، ج ۲، ص ۱۸۵.  
۲. همان، ج ۲، ص ۴۸.

قرآن است و وقتی ما را امر به قرائت قرآن می‌کنند؛ یعنی همه آیات قرآن را من الاول الی الآخر قرائت کنید، در قرائت هم امر به تدبر شده و هیچ استثنائی هم کنارش نیامده که مثلاً در آیات محکم تدبر کنید بلکه امر شده به تدبر در قرآن مطلقاً، از آنجایی که تدبر، به همه قرآن مربوط است و هیچ استثنائی هم در کار نیست و در روایت هم قرائت را با تدبر توصیه کرده و اینکه قرائت بدون تدبر خیری ندارد ما می‌فهمیم که تمام قرآن قابل تفسیر است و همه آیات قرآن امکان تفسیر دارد و اگر همه آیات قرآن امکان تفسیر نداشت امر به تدبر در همه قرآن معنا نداشت یا حداقل در جایی که امر به تدبر در قرآن می‌شود باید مواردی را استثناء می‌کردند و می‌گفتند در مواردی شما نباید تدبر بکنید، تدبر؛ یعنی دعوت به فهم عمیق‌تر قرآن واسطه به تبیین مدالیل و مقاصد و منظور فقط فهم معانی الفاظ به تنهایی نیست، پس تدبر در واقع یک نوع تفسیر است و دعوت به تدبر دعوت به کوشش و تلاش برای کشف معانی و آشکار کردن مقاصد و مدالیل آیات می‌باشد، به هر حال به نظر می‌رسد امکان تفسیر قرآن وجود دارد و هیچ تردیدی در آن نیست. پس هم ادعای عدم امکان تفسیر قرآن، رأساً باطل است و هم ادعای عدم امکان تفسیر بخش اعظم آیات قرآن مردود است، به طور کلی به نظر ما همه قرآن قابل تفسیر است البته در مواردی خاص تأویل و فهم واقعی قرآن فقط به راسخون فی العلم واگذار شده است و ما نمی‌توانیم به آن‌ها دست پیدا کنیم.

**بحث جلسه آینده:** بررسی اینکه آیا ما شرعاً مجاز به تفسیر هستیم یا نه؟ بحث جلسه آینده خواهد بود.

«والحمد لله رب العالمین»